



۲۰۱۷/۰۵/۱۱



مصطفی عمرزی

دنیای «سرچپه»



اخبار محرومیت جنسی در گرایش هایی که در فرهنگ ابتذال (بچه بازی) شکل می گیرند، در جامعه مذهبی ما، زمانی به تضاد می رسند که در جغرافیای پُر از مسجد، در انبوه مردان و پسران مذهبی و ریشدار، در جایی که حد تعصب، از حد می گذرد و از این منش، اعتلای جامعه در افت می افتد، اگر نتوان مفهوم «سرچپه» را افاده کرد، چه گونه در تضاد باور ها، جنسیتی (زن) محکوم می شود و اما حرمان از او در هاله تعصب، برداشتی می شود که اخبار تصویری مردان مذهبی در مجلس رقص نشان دهد، به فرهنگی خوش اند که در باور های خرافی، جنس خلاف او را محکوم می کنند، اما از شباهت های او در فساد به هموع، حرامی را مباح می شمارند که اصل حرام است.

وقتی گرایش به همجنس، در فرهنگ های آزاد، از حد منطق می گذرد و در توجیه شخصیات، مجوز می یابد که مرزی میان خودی (همجنس) نیست، در جای دیگر این دنیای «سرچپه» نمی توان نخبندید که اگر محرومیت جنسی حوزه های دین، در سایه منکرات آن، اما از فساد جنس خود اخباری می شود، نوع نقد بیرونی در حالی از تأثیر می افتد که در دنیای سرچپه، مجوز می دهند، اما توجیه آن، نیاز های مردمانی می شود که می خواهند در ابهام این معضل، از خود بپزند.

برایم عجیب است که چه گونه در تقابل فرهنگ ها، وقتی تنقید، سوژه می سازد، اصل مسأله که «نفس فساد» است، در زمینه های کاستی و داشتی، دو سوی عجایی می شود که اگر در اجتماع مذهب سالار، از شرم فساد همجنس باز، در بازی بچه ها درز می کند، نقد بیرون، از کنار فساد می گذرد و از ماجرای خبر می سازد که در هر دو

د پانو شمیره: له 1 تر2

افغان جرمن آن لاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خیر و لولئ

سوی محرومیت جنسی جهان سوم و جواز گرایش های خودی در جهان اول، هر چه باشد، همان مُعضلی ست که در انحراف جنسی، مسأله همجنس بازی و بچه بازی می شود.

در واقع، تفاوت های مجوز گرایش به جنس خود یا استفاده از جنس خود در اجتماع محرومیت، اگر هزار توجیه یابد، در نکته ای به وحدت می رسد که اصل مسأله، تغییری ندارد. طبیعت انسان برای بقای بشر، تفاوت دارد. هر چند اصل انسانی، مجزا نمی شود، اما ظاهر این طبیعت، به حکم زن و مرد، تطهیر رابطه را در اصل طبیعی به مجوزی می رساند که پیوند های بشری در فرهنگ های مختلف، اگر مسلمان است یا مسیحی، یهود یا هندو، اما از باور بر آن، بر تنوع انسانی در صورتی باقی می شوند که از اصل طبیعی آن، فقط طمع اطفای شهوت نیست. پذیرفتن این که در جوامع مدنی رو به جلو، برای کاهش ناهنجاری ها، دنبال تنوع تعریف اند تا هیچ مسأله انسانی، زمانی که «به دلخواه» مطرح می شود، حرمان نیابد، نمی تواند کتمان شود، اما اگر محرومیت و باور ها، فرهنگ گرایش به همجنس را در جایی دیگر تعمیم و اما مذموم می داند، اگر این نما، از حد فساد و سوء استفاده در گرایش های کسانی تبارز کند که نوع دیگری از آن شایقی ست که در جهان اول، فرصت دارد قانونی شود، باز هم اصل مسأله که این گرایش، خلاف طبیعت است، آن نقد همواره بیرونی را زیر سوال می برد که با تفاوت ظاهری فرهنگ ها، نمی توان در دوگونه گی شرایط، در جایی خوب و در جایی زشت پنداشت.

توجیه برای صدور مجوز گرایش به خود (همجنس) در زمینه هایی که حتی در طبابت غربی، دشواری انحراف بیالوژیکی، اما قابل درمان شناخته می شود، در حالی که در سلیقه شایق، جواز یافته است و اما معضل طبی آن، در حاشیه می ماند، در دنیایی که در زمینه های رسمی، خوب و بد، در کنار هم، حکم حلال و حرام را وضاحت می دهند، دریافت پاسخ به دشواری معضلاتی می ماند که گاه لاینحل می شوند.

در جغرافیای ما، در خصوصیات سالیان بحران، زمانی که چاشنی دین در صدور ایدیالوژی، از ضمایم مهم سیاست بود، در واقعیت های جامعه بسیار پایند مذهب، تصویر مردان و پسرانی که در اجتماع روستایی (نهایت احترام به مذهب) با اشتیاق مجلس می کنند و با سر های با دستار و ریش های دراز، به حرکات هموعی خیره می شوند که از ساخت شباهت های او، اما در جای دیگر، اصل جنس مخالف را با حکم زندان خانه، محدود می کنند، واقعاً مطلقیت باور هایی را زیر سوال می برند که از حیث اثر، گاه جلودار رشد می شوند (اعتقادات سنتی) و رفاه اجتماعی از تاکید بر آن ها، پذیرفتن زیان را اصل می سازد.

در دنیای سرچپه، خوب و بد، مفهوم یک دیگر را در افاده معنی می رسانند و اما تضاد آن ها، ثابت می کند حتی در وجود حکم نفی، وقتی نیاز ها حرمان می شوند و فرهنگ سلیقه، از حد منطق، بلند تر می رود، دو رخ این سکه، همان یک معنی ست که نوع انحراف در حاصل آن، تضادی شود که در رسمیات جهان اول و استفاده جهان سوم، یک معنی می دهند: گرایش به خود (همجنس بازی) زشت و خلاف طبیعت است.

پایان

یادآوری: تصاویر این مقاله، ایرانی اند



2. خروس

1. آدم

د پانو شمیره: له 2 تر 2

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابلو. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له رالیرلو مخکي په څير و لولئ